

# شیعه واقعی از منظر امام عسکری (ع)!

موضوع: امام عسکری (ع)، همان طور که عالمان واقعی را از عالمانی با شاخص هایی مشخص می کنند، همچنین شیعه واقعی را با شاخص های معرفی می کنند، حضرت مهم ترین علامت شیعه واقعی را تواضع نسبت به مومنین و ادای حقوق مومنین بین یکدیگر را به عنوان مصداق تواضع بیان می دارند. محوری ترین حق برادر دینی، تنظیم روابط مالی و اقتصادی است. اگر در سبک زندگی جمعی و اجتماعی ما، جای روابط مالی مبتنی بر مواسات، تقسیم مال با برادر دینی خودمان است، اگر نیست باید در شیعه گری خودمان تجدید نظر کنیم.

## نه خوبی مطلق داریم نه خوبان مطلق داریم به جز اهل بیت (ع)

ما در این عالم نه خوبی به صورت مطلق داریم و نه خوبانی به صورت مطلق داریم به جز اهل بیت (ع). مثلاً یکی از خوبی ها نماز هست. دیگر از نماز بالاتر داریم؟ ستون دین هست و اگر نماز قبول شود، بقیه اعمال قبول می شود و الی آخر، درباره نماز، یکی از تقسیم بندی ها این است: نماز خوان ها و بی نمازها. اما آیا این تقسیم بندی، آخر ماجرا است یا نه ادامه دارد؟

## تقسیم بندی در خوبی ها ، نماز خوان های جهنمی!

اگر حالا بین نماز خوان ها، بخواهیم تقسیم بندی کنیم چه بگوییم؟ ما نماز خوان های خوب داریم نماز خوانی های بد. نماز خوان های بهشتی داریم نماز خوان های جهنمی.

شاید تعجب کنید مگر می شود که نماز خوان جهنمی هم داشته باشی؟ بله قرآن رسماً برخی از نماز خوان ها را توییح کرده است و فرموده است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ؛ پس وای بر آن نمازگزاران که دل از یاد خدا غافل دارند»<sup>۱</sup>. این کلمه ویل در فرهنگ قران نفرینی است از طرف خداوند متعال که به معنای (هلاک باد) می باشد. به باور علامه طباطبایی کلمه ویل، به معنای هلاکت و عذاب شدید، و نیز به معنای اندوه، و خواری و پستی است، و در اصطلاح نیز هر چیزی را که آدمی سخت از آن حذر می کند، ویل میگویند.<sup>۲</sup> نابود شوی الهی، خواری شی خفیف شی غم باد بگیری...

چرا حالا خدا حتی در عالی ترین عبادت یعنی نماز، نماز خوان ها را نفرین می کند. مرگ بر این نماز خوان ها، شما الان جراثم داری نماز خوان را نفرین کنی؟ چرا خدا این طوری برخورد می کند؟

خدا می خواهد من و شما متوقف بر هیچ خوبی نشویم. نماز با آن عظمت هم می تواند خوب و بد داشته باشد. نه اینکه فقط ما تقسیم بندی نماز خوان و بی نماز داشته باشیم بعد خیال ما راحت باشد که من که نماز خوان هستم.

---

<sup>۲</sup> ترجمه میزان، ج ۱، ص ۳۲۵.

## تقسیم بندی در خوبان

این تقسیم بندی فقط در خوبی ها وجود ندارد، بلکه در بین خوبان هم این تقسیم بندی ها هست. مثلاً یکی از گروه‌های خوب، عالمان هستند.

عالمان آنقدر مقرب هستند که نگاه کردن به درب خانه شان عبادت هست اما کدام عالم؟ عالم خوب داریم عالم بد داریم. به صورت مطلق علما خوب هستند، نه چنین چیزی نداریم. بعضی ها می ترسند بگویند ما عالم بد شیعی داریم. نه راستش را می گوئیم. امام صادق(ع)، در روایاتی می فرماید ۷ گروه از عالمان در ۷ طبقه جهنم قرار دارند، آدم جرات نمی کند اصل روایت را بخواند از بس وحشتناک هست. فقط طبقه ۷ جهنم علما را بگوئیم که امام صادق(ع) فرمود در طبقه ۷ جهنم گروهی از علما هستند.

حالا فکر می کنید جرمشان چیست؟ عرق خوردند، بدمستی کردند چه کردند؟ حضرت فرمود اینها علم را برای اثبات عقلانیت و مروت خودشان به دیگران تعلیم می دادند. «مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَتَّخِذُ الْعِلْمَ مَرُوءَةً وَعَقْلًا فَذَاكَ فِي الدَّرَكِ السَّابِعِ مِنَ النَّارِ»<sup>۳</sup> وای خدای من! این دیگر چه گناهی هست؟

آقا علما هم مگر جهنم می روند؟ بله بد جهنمی هم دارند. یعنی ما نسبت به کل علما بد بین باشیم؟ نه ما اتفاقاً در دوران غیبت به همین علما سپرده شدیم حتی دوران حضور امام زمان عج خیلی عجیب هست، علما بیکار نبودند، کار اصلی را اهل بیت ع در دوران حضور خودشان به علما می سپردند رسماً شیعیان را دعوا می کردند که آقا چرا شما آمدی از من

---

<sup>۳</sup> خصال، ج ۲، ص ۳۵۲.

می‌پرسی مگر در شهر خودت فلان عالم را نگذاشتیم؟ آقا با وجود شما، برویم پیش آن عالم؟ بله

بنابراین در دوران غیبت ما را به علما سپردند اما کدام عالم؟ در میان شیعه عالم خوب داریم، عالم بد داریم. در روایتی مفصلی امام عسگری فرمودند، یک عده هستند که ضررشان برای شیعه از سپاه یزید بر سپاه امام حسین ع بیشتر هست. «هُمْ أَضْرُّ عَلَيَّ ضُعْفَاءِ شِيعَتِنَا مِنْ جَيْشِ يَزِيدٍ»<sup>۴</sup> آن عده از میان کدام صنف هستند؟ عالمان شیعه. پس عالم شیعه به صورت مطلق خوب نداریم. عالم شیعی داریم که از سپاه یزید هم بدتر هست.

بعد عالم شیعی خوب را هم معرفی کردند. فرمودند عالمی که خودش را نگه می‌دارد، حافظ دین هست، مخالفت با هوای نفسش می‌کند، امر مولایش را اطاعت می‌کند، بر مردم واجب هست از او تقلید کنند؛ «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا لِهَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلَّدُوهُ.»<sup>۵</sup>

بعد حضرت احساس خطر می‌کنند از علمای سوء فرمودند این ویژگی‌های که گفتم برای همه عالمان شیعه نیست حواستان باشد. «ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا [فِي] بَعْضِ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا جَمِيعِهِمْ»<sup>۶</sup>

در روایاتی دیگری امام صادق (ع) حضرت فرمود: «فتنه‌های آخرالزمان برای تشخیص همین تقسیم‌بندی‌ها هست. منافقین شیعه هست؛ بَارْتِدَادِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ طِينَتُهُ خَبِيثَةً مِنَ الشَّيْعَةِ الَّذِينَ يَخْشَى عَلَيْهِمُ النَّفَاقُ»<sup>۷</sup> وگرنه بدی بی‌نمازی را که همه می‌فهمند و خوبی

<sup>۴</sup> الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸.

<sup>۵</sup> همان.

<sup>۶</sup> همان.

<sup>۷</sup> کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۵۶

نماز را حالا برویم جلوتر؟ عالم هم بد و خوب دارد، کدام عالم خوب هست، کدام بد هست هنر اینجاست که این علما را از هم تشخیص بدهی.

### بهترین و بدترین خلق در میان علماء

امام عسکری (ع)، در ادامه فرمودند که از امیرالمومنین پرسیدند بهترین خلق خدا بعد از اهل بیت چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: «عالمان اما یک قید دارد، عالمان صالح، الْعُلَمَاءُ إِذَا صَلَّحُوا»<sup>۸</sup>

بعد از حضرت پرسیدند، بدترین خلق بعد از شیطان، فرعون و نمرود اینها چه کسانی هستند حضرت فرمود: «عالمان اما یک قید دارد، عالمان فاسد؛ الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا»<sup>۹</sup>

حالا فساد علماء به چیست؟ فساد علما این نیست که نماز نمی خواند، فساد علما این نیست که روزه نمی گیرد این فاسد عوام هست. فساد علما بدتر از این ها هست گاهی یک سکوت بی جای عالم، عالمی را فاسد می کند.

یکی از نمایندگان خاص امام زمان عج به نام شلمغانی از علمای به نام زمان خودش بود. از فقهای امامیه بود و آثار متعددی درباره عقاید و فقه شیعه نوشت. آثار او قبل از روی گرداندن از تشیع با احترام فراوان امامیه رو به رو بود.<sup>۱۰</sup> بعدا وقتی منحرف شد، امام زمان (عج) رسماً او را لعن کردند.<sup>۱۱</sup> مگر از این دست علما در طول تاریخ کم هستند؟ حالا این آقای شلمغانی نماز نمی خواند؟ فسادهش به چی بود؟

---

<sup>۸</sup> الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸.

<sup>۹</sup> همان.

<sup>۱۰</sup> طوسی؛ الغیبه، ص ۱۵۸ و ۲۲۱.

<sup>۱۱</sup> طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۵ - ۴۷۴؛ طوسی، الغیبه، ص ۴۱۰.

همان طور که علماء خوب باید پیش ما محترم باشند، برای اینکه علماء سوء بی حرمت شوند چه کردیم؟ خدا وحی کرد به داود که داود به بندگانم بگو عالمی که دنیا زده هست را واسطه بین من و خودشان قرار ندهند اینها دزدان راه هستند.<sup>۱۲</sup>

احترام علمای ربانی سر جای خودش، ولی این علمای غیر ربانی نباید پیش ما محترم باشند. این را چه کنیم؟

### چرا امام عج نمی آیند؟

چرا امام زمان عج نمی آیند؟ تا شیعه به این رشد نرسد، عالم خوب داریم عالم بد داریم. در روایت هست برخی از یاران نزدیکش را حضرت دستور اعدام می دهند و هیچ کس از شدت معرفتی که دارد و عقلانیتی که در جامعه هست اعتراض نمی کند. «بَيْنَا الرَّجُلُ عَلَى رَأْسِ الْقَائِمِ يَأْمُرُ وَيَنْهَى إِذْ أَمَرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ» (الغیبه نعمانی، ص ۲۴۰) مردم به این حد از رشد رسیده اند که می فهمند بین خوبان و برخی از خوبی ها بدترین بدها پنهان شده اند. فریب خوبی های آنها را نمی خورند.

### شیعه واقعی و شیعه غیر واقعی!

از آن طرف، شیعه خوب داریم، شیعه بد داریم. بعد شیعه بد هم، شیعه حقیقی داریم، شیعه قلبی داریم. اینها را از کجا تشخیص بدهیم؟ بالاخره خودمان آیا شیعه واقعی هستیم یا خیر؟

---

<sup>۱۲</sup> «يَا هِشَامُ أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ دَاوُدَ عَ قُلِّ لِعِبَادِي لَأَ يَجْعَلُوا بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالذُّبْيَا فَيَصُدُّهُمْ عَنِ ذِكْرِي وَ عَنِ طَرِيقِ مَحَبَّتِي وَ مَنَاجَاتِي أَوْلَيْكَ قَطَاعُ الطَّرِيقِ مِنْ عِبَادِي إِنْ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حُلَاوَةَ مَحَبَّتِي وَ مَنَاجَاتِي مِنْ قُلُوبِهِمْ» (تحف العقول، ص ۳۹۷)

امیدوارم آنقدر سطح بیداری جامعه بالا برود، بتوان با این جامعه درباره عالم خوب و بد حرف زد. قدرت تشیخص عالم خوب و بد را پیدا کند. نه مطلق علما را نفی کرد نه مطلق علما را اثبات کرد. بعد خودمان هم برای خودمان حاشیه امنیت ایجاد کنیم که چون شیعه هستیم پس حل دیگر، نه آقا تازه اول مشکل هست. کدام شیعه؟

### ملاک شیعه واقعی در کلام امام عسکری (ع)

یوسف بن زیاد و علی بن سیار می گویند، شیعی در طبقه بالای منزل امام حسن عسگری (ع) در محضر آن حضرت بودیم در آن روزها که حکومت وقت آن جناب را نیز احترام میکرد و اطرافیان خلیفه هم احترام میکردند. در این هنگام فرماندار شهر از جلو منزل آن حضرت عبور کرد مردی کت بسته هم با او بود و امام در جایگاه خویش کاملاً بر خیابان مسلط بود. فرماندار تا چشمش بامام ع افتاد باحترام آن حضرت از مرکب پیاده شد، حضرت باو فرمودند به جای خود برگرد.

فرماندار پس از ادای احترام بامام ع عرض کرد: «ای پسر پیامبر ص این مرد را امشب از پشت در دکان صرافای گرفتیم باتهام دزدی و اینکه میخواهد دکان را سوراخ کند و اشیاء آن را به سرقت ببرد. برنامه من در این گونه موارد که کسی را باتهام دزدی میگیرم اینست که بلافاصله او را پانصد تازیانه میزنم قبل از آنکه افرادی بفهمند و بخواهند برای او وساطت کنند تا لا اقل مقداری از کیفرش را ببیند.»

ولی امشب وقتی میخواستیم این مرد را مجازات کنم بمن گفت از خدا بترس و خدا را بر خود خشمگین مساز زیرا من از شیعیان امیر المؤمنین ع و از شیعیان این امام یعنی پدر حضرت قائم ع هستم.

من دست نگهداشتم و باو گفتم ما با هم از کنار منزل آن حضرت عبور میکنیم اگر حضرت ترا بعنوان شیعه خود شناخت رهایت میسازم و گر نه دست و پایت را جدا میکنم بعد از هزار تازیانه که بر بدنت خواهم زد و اکنون او را خدمت شما آوردم آیا این همچنان که ادعا دارد از شیعیان حضرت علی ع هست یا نه؟

حضرت فرمودند: «مَعَادَ اللَّهِ، مَا هَذَا مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ ع، وَإِنَّمَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ فِي يَدِكَ، لِاعْتِقَادِهِ فِي نَفْسِهِ أَنَّهُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ؛ پناه بخدا، این مرد شیعه علی ع نیست و بخاطر این ادعای بیجا و گمان بی‌موردی که نسبت بخود داشته خداوند او را در چنگ تو قرار داده است.»

فرماندار گفت خیالم را راحت کردید؛ الان پانصد تازیانه بر او میزنم و در این کیفر هیچ گناهی بر من نخواهد بود. چون مقدار زیادی از آن حضرت دور شد دستور داد آن مرد را برو بر زمین انداختند و دو مأمور مجازات برای او گذاشت. یک طرف راست و دیگری طرف چپ گفت او را بزیند مأمورین چوبهای خود را به پشت او می زدند، ولی بجای اینکه تازیانه به بدن او بخورد بر زمین میخورد بطوری که فرماندار ناراحت شد و مأمورین را نهیب زد، و گفت زمین را میزنید؟

چوبها را پشت او بزیند نه بر زمین، مأمورین با دقت بیشتری پشت او را هدف قرار میدادند ولی دست آنها لرزید و بجای آنکه چوب بر پشت متهم بخورد به دست خود مأمورین خورد و فریاد آنها از درد بلند شد.

فرماندار گفت، وای بر شما آیا دیوانه هستید، چرا یک دیگر را میزنید؟ این مرد متهم را بزیند. گفتند ما چوب را به پشت او فرود می آوریم ولی دست ما می - لغزد و در نتیجه چوبها ببدن خود مأمورین میخورد.

فرماندار چهار نفر دیگر از مأمورین خود صدا زد، جمعا شش نفر شدند و بآنها گفت اطراف این مرد را بگیرد مأمورین دور او را گرفتند، دستها بالا رفت و چوبها بلند شد و این بار

بجای این که چوبها بمتهم بخورد یا مثل مرتبه قبل بدن مأمورین اصابت کند بخود فرماندار خورد بطوری که از مرکبش بزمین افتاد و دادش بلند شد مرا کشتید، خدا شما را بکشد.

مأمورین گفتند ما (بشما جسارت نکردیم) چوبها را بطرف او فرود آوردیم فرماندار چند مأمور دیگر انتخاب کرد و بآنها دستور داد متهم را بزنند این بار نیز خود فرماندار را زدند باز دادش بلند شد چرا مرا میزنید؟

گفتند نه بخدا ما این مرد را میزنیم فرماندار گفت اگر مرا نمیزنید پس این جراحتها و شکستگی های سر و صورت من از کجاست؟ گفتند دستهای ما شل باد اگر چوب را بسوی شما بلند کرده باشیم.

آن مرد متهم بعد از این ماجراها رو کرد بفرماندار و گفت: ای بنده خدا با این همه لطفی که خدا نسبت بمن روا داشت بطوری که دیدی تمام این ضربهها خطا کرد و بمن اصابت نکرد آیا پند و عبرت نگرفتی، وای بر تو، مرا بسوی امام عسگری ع بازگردان و هر چه آن حضرت دستور فرمود در مورد من انجام ده.

فرماندار او را نزد امام ع آورده عرضکرد ای پسر پیامبر، جای بسی شگفتی است شما تشیع این مرد را انکار فرمودید و معلوم است که هر کس پیرو شما نباشد پیرو شیطانست و دوزخی خواهد بود

ولی با اینوصف ما از این مرد معجزاتی دیدیم که جز پیامبران کسی یارای آن را ندارد. حضرت فرمودند (بر سخن خود اضافه کن و) بگو یا جانشینان و اوصیاء پیامبران عرضکرد یا اوصیاء.

حضرت به فرماندار فرمودند ای بنده خدا این مرد در ادعای خویش که گفته بود از شیعیان ماست دروغ گفت دروغی که اگر توجه میداشت و از روی عمد گفته بود تمام این آزارها و کیفر سخت ترا میدید و سی سال هم در زندان میماند. ولی چون عمدا دروغ نگفته مقصود دیگری داشته و بی توجه این کلمه را بر مقصود خود اطلاق نموده خداوند بر او رحم فرمود ولی تو ای بنده خدا بدان، خدا او را از تازیانه‌های تو نجات بخشید زیرا او از وابستگان و دوستان ماست، اما از شیعیان ما نیست.

فرماندار عرضکرد تمام اینها (وابسته، دوست، شیعه) در نظر ما برابر است و از نظر ما فرقی ندارد حالا بفرمائید بین اینها چه فرقت؟

امام ع فرمود: «الْفَرْقُ أَنْ شِيعَتَنَا هُمْ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ آثَارَنَا، وَيَطِيعُونَ فِي جَمِيعِ أَوْامِرِنَا وَ نَوَاهِينَا، فَأُولَئِكَ [مِنْ] شِيعَتِنَا. فَأَمَّا مَنْ خَالَفَنَا فِي كَثِيرٍ مِمَّا فَرَضَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ فَلَيْسُوا مِنْ شِيعَتِنَا؛ فرقی اینست که، شیعیان ما آنهاست که از آثار ما پیروی میکنند و در تمام اوامر و نواهی از ما اطاعت میکنند، اینها شیعیان ما هستند ولی کسانی که در بیشتر واجبات خدائی با ما مخالفت میکنند از شیعیان ما نیستند.»<sup>۱۳</sup>

امام عسکری (ع)، در ادامه شیعه واقعی را معرفی می کنند که ان شاء الله توضیح خواهیم داد اما واقعا این تقسیم بندی وجود دارد. البته ما یک شیعه اعتقادی داریم که الحمد لله همه ما شیعه اعتقادی هستیم اما شیعه در عمل چیز دیگری است.

الان شیعه گری، علاوه بر عقیده، عمل را هم باید اضافه کند وگرنه به قول امام عسکری (ع) شیعه نیست. اما کدام عمل به صورت خاص، علامت شیعه واقعی هست؟

---

<sup>۱۳</sup> البرهان، ج ۴، ص ۶۰۷.

این حرف روشن امام عسکری(ع) به ما است که شیعه، فقط شیعه اعتقادی نیست. شیعه در عمل باید شیعه باشد و در همه اعمالش پیروی کند.

### کدام عمل شاخص شیعه گیری حقیقی است؟

حالا به صورت خاص کدام عمل، ملاک و شاخص شیعه گیری حقیقی هست. داستان را امام عسکری (ع) تعریف می کنند، از دل این داستان، آن شاخص حقیقی برای شیعه گیری مشخص می شود. صدر روایت را در پایان داستان نقل می کنم. امام عسکری ع می فرماید: «پدر و پسری از برادران ایمانی امیر المؤمنین علیه السلام خدمت ایشان رسیدند. حضرت برایشان بلند شد و با احترام آن دو را در بالای مجلس نشاند و خود مقابل آنها نشست. سپس دستور داد غذایی آوردند و آن دو غذا خوردند»

پس از غذا قنبر، آفتابه و لگنی چوبی و حوله‌ای برای خشک کردن دست‌هایشان آورد و جلو آمد که روی دست مرد آب بریزد. امیر المؤمنین علیه السلام از جا جست و آفتابه را گرفت تا به دست مرد آب بریزد. اما مرد خودش را به خاک افکند و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! خدا مرا در حالی ببیند که شما روی دست من آب می‌ریزید؟! «

حضرت فرمود: بنشین و بشوی؛ زیرا خداوند عزوجل تو را می بیند که برادرت که بر تو امتیاز و فضیلتی ندارد. خدمت می کند و قصدش از این خدمت آن است که خداوند در بهشت ده برابر جمعیت دنیا عطایش فرماید.

مرد نشست و علی علیه السلام به او فرمود: تو را به بزرگی حق من که تو آن را شناختی و حرمتش را به جا آوردی و برای خدا فروتنی کردی- تا جایی که خداوند در قبال آن، این پاداش را به تو داد که مرا مأمور خدمت به تو کرد و این افتخار را نصیب تو نمود- سوگند



شیعه حقیقی کسی است که پیوند اجتماعی خودش را با مومنین براساس تواضع تنظیم کند. چه کسی بیشتر هوای دیگری را دارد، حقوق برادران دینی خودش را اهتمام بیشتری دارد تا رعایت کند.

### جامعه متواضع با جامعه متکبر فرق چیست؟

جامعه متواضع با جامعه متکبر فرق چیست؟ از کجا بفهمیم یک جامعه تواضع در آن موج می زند یا تکبر؟ بین در این جامعه مردم چقدر هوای همدیگر را دارند، چقدر به هم رسیدگی می کنند. وقتی همبستگی و هم دلی که در عمل می شود مواسات، رسیدگی به دیگران، این را اندازه بگیر، می فهمی یک جامعه متواضع هست یا خیر؟ این جامعه علوی هست یا خیر؟ این جامعه شیعه واقعی هست یا خیر؟

خدا به پیغمبرش فرمود: «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۱۵</sup> بال (عطوفت) خود را برای مؤمنین فرود آر! مفسرین می گویند این تعبیر بالات را برای مومنین باز کن؛ این تعبیر کنایه زیبایی از تواضع و محبت و ملاحظت است همانگونه که پرندگان به هنگامی که می خواهند نسبت به جوجه های خود اظهار محبت کنند آنها را زیر بال و پر خود می گیرند، و هیجان انگیزترین صحنه عاطفی را مجسم می سازند، آنها را در مقابل حوادث و دشمنان حفظ می کنند و از پراکندگی نگه می دارند! در حقیقت این تعبیر کنائی فشرده کوتاه مطالب فراوانی را در خود نهفته دارد!<sup>۱۶</sup>

<sup>۱۵</sup> الشعراء : ۲۱۵.

<sup>۱۶</sup> مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۳۲.

## مشارکت مالی، اصلی ترین حقوق برادر دینی

امام عسکری (ع) فرمودند شیعه واقعی متواضع هست؛ بله؟ حالا نسبت به چه کسی؟ نسبت به مومنین. حالا تواضع به مومنین به چیست؟ به اینکه حقوق برادرانت را به جا بیاوری. حق مومن بر مومن چیست؟ این بخش عملیاتی بحث هست.

می گوید من به همراه امام ششم (ع) طواف میکردم که یکی از یاران ما جلوم درآمد و اشاره از من خواست که برای نیازی با او بروم. (من دوست نداشتم امام صادق ع را رها کنم به نزد او بروم. در میان طواف باز بمن اشاره کرد و آن حضرت او را دید. حضرت فرمود ابان با تو کار دارد؟ گفتم بله آقا حضرت فرمود ایشان کیست؟ گفتم آقا یکی از دوستان شماست. حضرت فرمود ایشان هم آیین تو هست و اینطور با او برخورد می کنی؟ گفتم بله آقا! حضرت فرمود برو پیشش. گفتم آقا یعنی شما می فرماید طواف را قطع کنم؟ حضرت فرمود پرسیدم یعنی اگر طواف واجب هم بود قطع کنم؟ حضرت فرمود بله. من پیش آن بنده خدای که با من کار داشت و برگشتم پیش حضرت رفتم پرسیدم. آقا! «أَخْبِرْنِي عَنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ؟» مرا از حق مومن بر مومن خبر بده» حضرت فرمود ابان بی خیال آن شو و آن را رها کن و دنبال مکن. از من اصرار و از حضرت انکار. آخر سر حضرت فرمود: «يَا أَبَانَ تَقَاسَمُهُ شَطْرَ مَالِكَ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ فَرَأَى مَا دَخَلَنِي؛ ای ابان نیمی از آنچه داری باو بده سپس بمن نگاه کرد و دید چه هراسی مرا گرفته است.» حضرت ادامه دادند: «فَقَالَ يَا أَبَانَ أَمَا تَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ ذَكَرَ الْمُؤْتِرِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ؟؛ ای ابان نمی دانی که خدا عز و جل یاد کرده ایثارگران بر خود را؟» گفتم بله آقا بعد آقا یک حرف عجیب تری به من زد، فرمود فَقَالَ أَمَّا إِذَا أَنْتَ قَاسَمْتَهُ فَلَمْ تُؤْتِرْهُ بَعْدَ إِنْمَا أَنْتَ وَهُوَ سَوَاءٌ؛ چون نیمی از مالت را باو

بدهی باو ایثار نکردی هنوز و همانا با او برابر شدی، إِنَّمَا تُؤْتِرُهُ إِذَا أَنْتَ أَعْطَيْتَهُ مِنَ النَّصْفِ الْأَخْرَ، و جز این نیست که باو ایثار کنی اگر نیم دیگر را هم باو واگذاری»<sup>۱۷</sup>

پس محوری ترین حق برادر دینی چی شد؟ تنظیم روابط مالی و اقتصادی با دیگران. حالا ما شیعیان چقدر این صفت در ما برچسته هست؟ ما چه زندگی برای خودمان ساخته ایم، در سبک زندگی جمعی و اجتماعی ما، جای روابط مالی مبتنی بر مواسات، تقسیم مال با برادر دینی خودمان کجاست؟ اگر نیست باید در شیعه گری خودمان تجدید نظر کنیم. اگر نیست باید این بخش در جامعه ما تدارک بشود. به سمت جامعه مهدوی برویم.

### جامعه مهدوی، جامعه بر مبنای ایثار مالی

در جامعه مهدوی، مومنین روابط مالی بین خودشان آنقدر قوی می شود که فرمود: «مومن دست در جیب برادرش می کند، به اندازه نیاز از آن بر می دارد، دیگری ناراحت نمی شود و منعی ایجاد نمی کند؛ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمَزَائِلُ وَ يَأْتِي الرَّجُلُ إِلَى كَيْسِ أَخِيهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ لَا يَمْنَعُهُ»<sup>۱۸</sup>

چیزی شبیه اتفاقی که دارد در اربعین می افتد، در اربعین مهم ترین نمای بیرونی اربعین چیست؟ همین بذل مالی است، بی خود نیست برخی از خوبان، اربعین را علامت ظهور می گیرند. در ظهور چه اتفاقی می افتد؟ یکی از اتفاق ها این هست که مومنین با هم از نظر مالی ندار می شوند.

فرمود: «در دوران ظهور، مومن از مومن سود بگیرد، اینکار اینقدر زشت هست، شبیه ربا می ماند. می گوید از حضرت سوال کردم. منظور از این روایت که سود گرفتن از مومن اشکال

<sup>۱۷</sup> کافی، ج ۲، ص ۱۷۲.

<sup>۱۸</sup> الاختصاص، ص ۲۴.

دارد چیست؟ حضرت فرمود در زمان ظهور این اتفاق می افتد ؛ قُلْتُ فَأَلْخَبِرُ الَّذِي رُوي أَنَّ رِيحَ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ رَبًّا مَا هُوَ قَالَ ذَاكَ إِذَا ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَامَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.<sup>۱۹</sup>

### دو ماموریت بزرگ امام عسکری(ع)

امام عسکری(ع)، قرار هست جامعه را برای غیبت امام زمان (عج) آماده کند، دو ماموریت بزرگ امام عسکری(ع) برای آماده سازی جامعه برای ورود به دوران غیبت لازم هست یکی اینکه دست شیعه را در دست عالمان حقیقی بگذارد و دست عالمان غیر واقعی را ببرد. دیگری اینکه جامعه را حفظ کند، حفظ جامعه شیعی، به این هست که روابط مالی مومنین بین هم محکم و مستحکم بشود. بر مبنای همدلی و همبستگی.

از طرف دیگر این دو ماموریت بزرگ امام عسکری ع، مقدمه سازی حضرت عسکری (ع) برای ظهور بقیه الله الاعظم(عج) هست. جامعه رها شده از دست نفاق و عالمان سوء، جامعه با محوریت پر رنگ شدن گذشت مالی، این جامعه لیاقت دیدار بقیه الله الاعظم(عج) دارد.

---

<sup>۱۹</sup> الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۳.